

اکنون هنگام آن رسیده که آن راز مذهبی نام برده را فاش نموده گوئیم =
در کلام الله مجید همین مدارج سفلی = اعماق زمینها «سجین هاویه» یعنی زندان نفس
و دوزخ جسمانی، و همان معارج علوی = اقطار آسمانها «علیین اعراف» یعنی آشیان
روح و بهشت جسمانی میباشد = «ان کتاب الابرار لقی علیین»، «ان کتاب الفجار
لقى سجین» !!

مراد ما نیز از رحمت بسط و رهبوت قبض (که از این پیش در طی منظومه‌ئی
راجع به اقسام رؤیا یاد نمودیم) همین قطبین مثبت و منفی جهان = یا بهشت و دوزخ
جسمانی سعدا و اشقیا میباشد که بعداً در مبحث «دورنمای جهان» شرح خواهیم داد.
لکن فعلاً بهمین اشاره اکتفا می‌کنیم که = جنان و نیران ابن انسان : در ماورای
جهان آخشیجان (عالم جان) در محل قطبین مثبت و منفی (اقطار سماوات و اعماق ارضین)
همین جهان تشکیل شده که بحکم حدیث شریف «من مات قیامت قیامته» پس از
مرگ صالح و طالح بلافاصله نمودار میشود.

اینک دو آیه کریمه از کلام الله مجید که یکی وصف کمال آباء حقیقت
میباشد هنگام صعود به (علیین اعراف) دیگری شرح و بال اینها طبیعت است، موقع
سقوط در (سجین هاویه) ذکر میشود.

۱- «وسارعوا الی مغفرة من ربکم و الجنة عرضها السموات و الارض اعدت للمتقین»

۲- «اخلد الی الارض و اتبع هواه و کان امره فرطاً» !!

مراد حق جل نثانه از کریمه «خافضة رافعه» نیز در سوره واقعه (در باب وقوع

امر موت) همین معنای باشد که مرگ = وسیله سقوط اشقیا (در اسفل السافلین
هاویه) و صعود سعدا (بر سدره المنتهای اعراف) است !!

۲- و با از نظر معلم اول : ارسطاطاليس =

برای آنکه خواننده گرامی رشته سخن را باز یابد مطالب گذشته این مبحث

را اینطور خلاصه می‌نمایم که :

کلام در باب مقایسه رؤیا و حشر بود = نخست رؤیا و مبانی آن از نظر

ماتریالیستی بیان شد، در این بین سخن از یک نظریه مهم از پیروان فلسفه لامارک و فلسفه

داروین به بیان آمد، ورشته سخن به طیران آدمیت کشید و چون بدینجا رسید، يك راز بزرگ مذهبی نیز فاش گردید. اکنون بازمی گردیم به همان شرح مقایسه رؤیا و حشر. و چون سخن از رؤیا از نظر طبیعی طی شده اینک نوبت بیان رؤیا از نظر منطقی می باشد = بدیهی است که در این باب نظریه واضح علم منطق: حکیم ارسطاطالیس (ارسطو) یونانی بیش از هر نظریه می جلب توجه خواهد نمود.

اینک ما و نظریه معلم اول:

معروف است که عام منطق را (که میزان فلسفه و مبنای علوم نظری میباشد) ارسطو (فیلسوف شهیر یونان باستان) با اشاره اسکندر ذی القرنین وضع نمود:

« صفة الحکیم ارسطالیس
میراث ذی القرنین: القدیس »

در شان این انسان عقلانی - (فیلسوف یونانی) این بس که حضرت عقل کل ختم رسل فرموده:

«رحم الله اخي ارسطاطالیس - لو كان في زمي لكان اول من آمن بي» و در وصف استحکام مبانی منطق او هم این بس، رئیس العقلا (ابن سینا) گفته:

«صدها سال (۱۴) است که از زمان ارسطوی گذرد و هنوز بنای منطق او همچنان مبرم و محکم هست که بود؛ نمیتوان از آن کاست و نه میشود بر آن افزود.»

در اینصورت مسلم است که معلم اول کلیه امور عالم و حوادث جهان را از نظر منطقی تحلیل می نماید - چنانکه در باب رؤیا گوید = «رؤیا = عبارت است از صورت استنتاج نفس هنگام تمرکز قوی در دماغ (یعنی موقع خواب) که در آئینه حس درونی نقش می بندد.

بس اگر مقدمات موصل و ترتیب آن صحیح باشد = قیاس منتج (یعنی رؤیا صادق) و نتیجه واقع است، چنانکه اگر مقدمات بی تناسب یا ترتیب سقیم باشد - قیاس عقیم (یعنی رؤیا کاذب) و نتیجه غیر واقع خواهد بود. !!»

نظریه این فیلسوف بزرگ نیز هر چند از جنبه فنی کاملاً منطقی می باشد لکن از وجهه فلسفی هنوز تمام نیست.

زیرا میتوان اینطور اشکال نمود که: